

ابهامات یارانه‌ای مردم در گفت‌وگو با کیهان

گام نخست برای اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها از امروز با شروع ثبت‌نام متقاضیان دریافت یارانه نقدی برداشته می‌شود.

گام نخست برای اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها از امروز با شروع ثبت‌نام متقاضیان دریافت یارانه نقدی برداشته می‌شود.

البته طرح ثبت‌نام مجدد از متقاضیان و فرآیند اجرای آن، این روزها با پرسش‌ها و ابهامات فراوانی روبروست. از یکسو دولت می‌خواهد ظرف 10-12 روز فرآیند ثبت‌نام را به اتمام رسانده و پس از آن گام بعدی طرح یعنی قطع یارانه غیرنیازمندان و افزایش نرخ حامل‌های انرژی خصوصا بنزین و گازوئیل را اجرا کند و از سوی دیگر میلیون‌ها ایرانی با سوالات متعدد خود نگران نحوه اجرای فاز دوم و تبعات ناشی از آن همچون اجرای ناعادلانه طرح ثبت‌نام، گرانی قیمت‌ها و... مواجه هستند.

گروه اقتصادی روزنامه کیهان به دور از هرگونه پیش‌داوری درباره نهایت اجرای طرح ثبت‌نام و نتایج بعدی‌اش به سراغ مردم کوچه و بازار رفته و دغدغه‌ها و ابهامات آنان درباره این طرح و تبعاتش را جویا شده است. شایسته است مسئولان ذریبط با مطالعه این اظهارات، پاسخ‌های درخوری را برای نگرانی‌های مردم مطرح نمایند زیرا آرامش عمومی یکی از بهترین تدابیری است که دولت یازدهم برای اجرای مطلوب طرح باید مد نظر داشته باشد. هماهنگی میان مسئولان لازمه صحیح طرح سرپرست یک خانوار چهار نفره معتقد است هماهنگی مسئولان دولتی لازمه اجرای صحیح طرح ثبت‌نام از متقاضیان و اجرای مرحله دوم هدفمندی است.

صالحی می‌گوید: در همین چند روزی که بحث ثبت‌نام به طور جدی مطرح شده است متاسفانه شاهد تناقض‌گویی برخی مسئولان رده بالای دولت هستیم مثلا از یکسو آقای شریعتمداری معاون اجرایی رئیس‌جمهور تاکید می‌کند که دولت عدد و مبنایی را برای میزان درآمد متقاضیان مشخص نکرده است ولی از سوی دیگر آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در مصاحبه‌ای می‌گوید: دولت متقاضیان را به پنج گروه درآمدی تقسیم کرده است. و یا در حالی که یکی از مسئولان سازمان هدفمندی به مردم اطمینان می‌دهد که نگران بررسی حساب‌های بانکی‌شان نباشند. همزمان معاون وزیر اقتصاد آقای شاپور محمدی می‌گوید وقتی مردم در سایت رفاهی ثبت‌نام می‌کنند یعنی اجازه ورود دولت به اطلاعات بانکی و بررسی حساب‌هایشان را می‌دهند.

این شهروند می‌افزاید: همان‌طور که ملاحظه می‌شود این اظهارات متناقض آن هم در آستانه اجرای طرح ثبت‌نام فقط موجب تشویش خاطر اذهان مردم و افزایش ابهامات و نگرانی‌های آنان می‌شود. پرهیز از شتابزدگی

وی ادامه می‌دهد: شتابزدگی در اجرای مرحله دوم هدفمندی و طرح ثبت‌نام از متقاضیان دریافت یارانه نقدی خطر دیگری است که احساس می‌شود نحوه مطلوب اجرای طرح را تهدید می‌کند.

اینکه مسئولان می‌خواهند در یک بازه زمانی 12 روزه دهها میلیون نفر در سراسر کشور به سایت رفاهی مراجعه کنند و ثبت‌نام خود را انجام دهند قدری عجولانه و شتابزده است زیرا ما در ثبت‌نام آزمون کنکور که فقط یک میلیون نفر متقاضی هستند شاهدیم که اشکالات فراوانی در ثبت‌نام رخ می‌دهد و بارها مسئولان ثبت‌نام از داوطلبان کنکور مجبور می‌شوند زمان ثبت‌نام را تمدید کنند حالا در یک مجموعه بسیار بزرگتر که دهها میلیون قرار است در 12 روز ثبت‌نام کنند آیا می‌توانند این کار را به خوبی انجام دهند؟ آیا واقعا مخابرات ظرفیت انجام چنین کاری را دارد؟ این شهروند در ادامه با بیان ملت ایران در صحنه‌های مختلف انقلاب ثابت کرده هرگاه به خوبی به مسئولان اعتماد کند نهایت همکاری را انجام می‌دهد می‌گوید: مسئولان دولت یازدهم باید اعتماد مردم را برای اجرای بهینه مرحله دوم به خوبی جلب کنند، متاسفانه اعتماد مردم به توانایی دولت در موضوع توزیع سید کالا تا حدود زیادی خدشه‌دار شد و بجاست مسئولان این بار با تامل و دقت بیشتری نسبت به اجرای مرحله دوم گام بردارند.

یک کارمند هم می‌گوید: دولت معتقد است برای اداره بهتر کشور مردم باید از دریافت یارانه انصراف دهند تا پول‌ها در جای بهتری صرف شود. حالا سوال من از دولتمردان این است که خودشان چقدر در جهت بهینه مصرف کردن منابع دقت می‌کنند؟ آیا ارسال پیامک نوروزی به کل موبایل‌های مردم ایران توسط رئیس‌جمهور کار مطلوبی بود؟ در شرایطی که دولت خزانه را خالی می‌پندارد محل تامین هزینه ارسال چند صد میلیون تومانی این پیامک‌ها از کجا تامین شده است؟ چرا فرم یارانه درآمدمحور است؟

قاسم آهنگر که کارگر است هم می‌گوید: چرا فرم شناسایی یارانه‌بگیران در فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها فقط درآمدمحور است؟ این فرم مردم را به دسته‌های مختلف درآمدی تقسیم کرده است در حالی که هزینه‌های آنها را در نظر نگرفته است. او ادامه می‌دهد کسانی که فرزندان دانشجوی بی‌بهره در دانشگاه‌های پولی دارند معتقدند باید هزینه‌های آنها در نظر گرفته شود. همچنین با افزایش نرخ آب، برق، گاز و بنزین قیمت تمام شده تولید کالاها و ارائه خدمات افزایش می‌یابد و هزینه سنگینی به مردم تحمیل می‌کند. وی می‌افزاید: با توجه به سابقه نظارت ضعیف دولت در بحث سبد کالا و قیمت کالاها در ایام نوروز، بیم آن می‌رود که با اجرای فاز دوم هدفمندی گرانی شدیدی طبقات ضعیف و متوسط را در تنگنا قرار دهد. بنابراین دولت باید فکری را برای جبران این فشارها بکند و یارانه را صرفاً درآمدمحور پرداخت نکند.

این کارگر ادامه می‌دهد: دولت تبلیغات می‌کند (به صورت زبرنویس در تلویزیون) که با قطع یارانه بخشی از مردم، خدماتی را در بخش درمان و بهبود وضع تغذیه اقشار ضعیف ارائه می‌دهد. آیا میزان منابع آزاد شده با حجم تعهدات دولت که اکنون به مردم می‌دهد، تناسب دارد؟! آیا این نوعی تبلیغات اغواگرانه نیست؟!

او می‌افزاید: چه با یارانه و چه بی یارانه، دولت طبق قانون اساسی موظف است خدمات تامین اجتماعی به مردم بدهد که این اصل آنچنان که باید و شاید در دولت‌ها رعایت نشده است. همچنین تامین مسکن روستاییان و کارگران بر عهده دولت است. آیا با وجود اینکه دولت قصد ادامه مسکن مهر را هم ندارد و آموزش هم در کشور ما رایگان نیست، قطع یا کاهش یارانه اقشار متوسط و ضعیف خلاف قانون اساسی نیست؟

این کارگر می‌گوید: کمکی که از محل یارانه‌ها قرار است به تولید بشود معطوف به کدام بخش از تولید است آن هم با توجه به اینکه تولید در کشور ما شکلی انحصاری دارد. آیا کمک به تولید فعلی، کمک به انحصار نیست؟

حقیقت را بنویسیم
یا مصلحت؟

یکی از شهروندان تهرانی هم می‌گوید: شاید اختصاص یارانه به خانوارها بر اساس سقف درآمدی عادلانه است ولی چگونگی اجرای آن جای سؤال است.

عزیز نجمی گفت: در کلان‌شهری مثل تهران اکثر سرپرستان خانوارها مجبورند دو و حتی 3 کار داشته باشند تا بتوانند جوازگویی مخارج زندگی خود باشند. با این اوصاف در فرم درخواست یارانه این فرد باید چه بنویسد، حقیقت را یا مصلحت را؟ اگر حقیقت را بنویسد همین 45 هزار و 500 تومان را هم به او نمی‌هند و اگر مصلحت را بنویسد وجدانش او را می‌آزارد، این فرد باید چه کند؟

یکی دیگر از شهروندان تهرانی گفت: ما از دولت توقع کمک نقدی نداریم ولی دولت هم در قبال در اختیار داشتن ثروت‌های ملی بی‌شماری که در اختیار دارد باید به مردم خدمات رایگان ارائه کند.

مریم حاجی‌زاده در ادامه افزود: هزینه خدمات بهداشتی و درمانی که اکنون در جامعه ما بیداد می‌کند باید بهتر و ارزانتر ارایه شود.

او اضافه کرد: هزینه آموزش در مملکت ما تبدیل به یک معضل شده و خانواده‌ای که یک فرزند داشته باشد برای آموزش فرزندش باید حداقل ماهیانه 300 تا 400 هزار تومان هزینه کند.

او همچنین ادامه داد: هزینه حمل و نقل نیز یکی دیگر از معضلاتی است که در شهرهای بزرگ روز به روز بر فشار خود به خانواده‌ها می‌افزاید، که اگر فکری به حال این معضلات نشود باید منتظر یک فاجعه بود.

یک دیگر از شهروندان تهرانی که خود را دانشجوی معرفی کرد، گفت: تغییر قیمت حامل‌های انرژی و همچنین دستمزد کارمندان و کارگران دغدغه اصلی مردم برای همسان‌سازی هزینه‌ها و درآمد آنها شده است.

کیوان مرادی افزود: وقتی حامل‌های انرژی مثل آب، برق، گاز و سوخت افزایش یافت بر همه چیز از مواد غذایی گرفته تا لوازم خانه، تولید، خدمات و توزیع اثر خواهد گذاشت، در آن صورت تنها کسی که متحمل ضرر خواهد شد مردم هستند که مبلغ فعلی یارانه‌ها باری از دوش آنها برنخواهد داشت. حالا دولت می‌خواهد همین مبلغ را هم قطع کند.

وی اضافه کرد: اگر دولت هم و غم اصلی خود را بر تولید و خدمات بگذارد بهتر می‌تواند به مردم خدمت کند.

یکی دیگر از شهروندان تهرانی گفت: بسیاری از زوج‌های جوان و حتی بانزشته هم هستند که هر دو شاغل هستند و یا بوده‌اند، تکلیف آنها چیست، مگر نه این است که سرپرست خانواده مرد است پس درآمد زن نباید ملاک میزان ثروت این خانواده باشد. زیرا زن می‌تواند درآمدش را به مرد نهد.

یکی دیگر از شهروندان تهرانی گفت: خانواده‌هایی که خانه خود را از طریق وام خریداری کردند و بیش از نیمی از حقوق خود را بابت اقساط وام هزینه می‌کنند، آنها چه باید بکنند در این برزخ گیر کرده‌اند.

سیدحمیدرضا حسینی اضافه کرد: بهترین راه این است که خود فرد با توجه به نیازش درخواست کند، مثلاً من که در تهران زندگی می‌کنم 2 یا 3 میلیون درآمد پاسخگوی هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد ولی کسی که در یک شهر کوچک زندگی می‌کند می‌تواند با یک سوم این درآمد هم زندگیش را بگذراند. پس باید فرقی بین ما گذاشته شود و این طور قلمداد نشود که منی که خانه وامی و یا ماشین قسطی دارم و مثلاً 2 میلیون تومان می‌گیرم وضع خوب است و آنی که در شهرستان زندگی می‌کند و 800 هزار تومان می‌گیرد مستحق کمک است.

یکی دیگر از شهروندان گفت: مسئولان باید فکری به حال خانواده‌هایی که بیماران صعب‌العلاج دارند بکنند.

حمیده تهرانی فرد اضافه کرد: با افزایش قیمت حامل‌های انرژی قطعا قیمت این داروها رشد صعودی خواهند داشت. پس نمی‌شود از طریق اعلام میزان درآمد متوجه شد که این خانواده نیازمند هست یا خیر؟ لذا باید هزینه‌ها را هم مدنظر قرار داد.

یک کاسب خیابان ملت هم می‌گوید: بسیاری از کسبه جزو خرده‌پا هستند که با قرض و وام محل کسبی برای خود بر پا کردند که نام آنها جزو بازاری‌ها هست ولی درآمد آنها شاید از درآمد یک کارمند هم کمتر باشد، اکنون او کجای این طرح قرار دارد، آیا اگر به او یارانه بدهند به دیگران ظلم شده و اگر ندهند به خود او ظلم شده است؟